

عنوان کتاب: ریشه‌های بحران در خاورمیانه

نویسنده: دکتر حمید احمدی

تنظیم کننده: آقای محمود فلاح‌نژاد

کل کتاب دارای ۴ فصل می‌باشد و دارای سه فهرست ملحق شده با عناوین فهرست اسناد، فهرست تصاویر، فهرست نقشه‌ها تکمیل شده است.

عناوین کلی هر فصل بشرح آتی می‌باشد:

فصل ۱: ظهور و تکامل صهیونیسم

فصل ۲: ظهور و تکامل ناسیونالیسم عرب

فصل ۳: وعده‌های متضاد امپریالیسم بریتانیا

فصل ۴: قیمومت و مسأله فلسطین

- خلاصه فصل‌ها

تحولات از ۱۸۸۰ تا جنگ جهانی اول مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. دعاوی تاریخی و مذهبی نسبت به فلسطین و بی‌اعتباری این دعاوی و ارتباط این حرکت با قدرت‌های امپریالیستی و محافل بورژوازی و سرمایه‌داری یهود، ظهور جنبش بیلو و عشاق صهیون و نیز دیپلماسی سازمان جهانی صهیونیست از دوران هرتزل، حیم وایزمن مورد بررسی قرار گرفته است. صهیونیسم تحت عنوان یک حرکت سیاسی در نیمه قرن دوم نوزدهم شروع به رشد کرد صدور اعلامیه بالفور در نوامبر ۱۹۱۷ از سوی انگلستان جهت تأسیس موطن ملی یهود در فلسطین متبلور اتحاد منافع قدرت‌های بزرگ اروپا و

آمریکا با حرکت صهیونیسم بود که به ایجاد کشور یهود انجامید. دو دلیل تاریخی مذهبی در رابطه با تأسیس کشور اسرائیل ارایه شده: از یک طرف مسئله ارتباط یهودیان با سرزمین فلسطین یا اسرائیل باستانی را مطرح می‌سازد. از طرف دیگر بازگشت یهودیان به فلسطین و بنای دولت جدید را تحقق وعده‌های الهی می‌دانند.

- قدرت‌های استعماری اروپا، نخستین طراحان یهودیان در فلسطین

ناپلئون بناپارت نخستین فردی بود که اهمیت استراتژیک فلسطین را فهمیده بود و از یهودیان فرانسه خواست تا به او ملحق شوند و برای ایجاد کشور خود به عرض موعود بازگردند. دولت فرانسه در روزنامه فراتسه از یهودیان فرانسه در ۲۰ آوریل ۱۷۹۹ طی چاپ اعلامیه خواسته بود به ارتش فرانسه در مصر ملحق شده و به اتفاق آنان وارد اورشلیم شوند. شکل‌گیری جنبش صهیون در دهه ۱۸۸۰ مسأله بازگشت به ارض موعود و شکل‌گیری جنبش صهیون توسط طرفداران «عشاق صهیون» و «جنبش بیلو» رسماً مطرح کردند.

الف - صهیونیست‌های اولیه : در دهه ۱۸۶۰ سازمانی به نام "اتحاد جهانی اسراییل" توسط «کارل نتر»، «موشه مونتیه فیوره» و «ادلف کرمیو» تأسیس شد که دو هدف را دنبال می‌کردند.

۱- فعالیت جهانی برای برابری حقوق یهودیان و پیشرفت و ترقی آنها ۲- کمک عملی به کسانی که به خاطر یهودی بودن رنج می‌بردند.
ب- عشاق صهیون و پیشتازان بیلو: دو گروه عمده صهیونیست در دهه ۱۸۸۰ در اروپا و بویژه در روسیه بوجود آمد.

عوامل خاصی باعث ظهور و تکامل ناسیونالیسم عرب گردید که در دو بخش بررسی می‌گردد:

الف - عوامل خارجی

۱- تأثیر اندیشه‌های سیاسی غرب: دو عنصر «آگاهی و احساس همبستگی»، «اراده فعالیت و کارجمعی» در اروپا به ظهور ناسیونالیسم کمک ویژه‌ای کرد.

۲- نقش میسیونرهای مذهبی در قرن نوزدهم: میسیونرهای مذهبی آمریکا، فرانسه، روس و یونانی که اندیشه‌های جدید سیاسی اروپا و آمریکا را با خود به همراه آوردند و در نیمه نخست قرن نوزدهم با تأسیس مدارس در مناطق مختلف آغاز شد.

ب - عوامل داخلی

۱- اصلاحات داخلی: از اوایل قرن نوزدهم آغاز شد در مراحل اولیه به شکست انجامید و سلطان محمد دوم در دوران حکومت خود در رابطه با مسایل نظامی و سپاه ینی‌چری به یک سری اصلاحات دست زد که در امپراتوری تحولاتی ایجاد کرد. آخرین نشانه و مهم‌ترین نشانه اصلاحات داخلی با روی کار آمدن سلطان عبدالحمید دوم در ۱۸۷۶ نمودار شد. مدحت‌پاشا که در زمان عبدالعزیز نتوانسته بود او را به ادامه اصلاحات تشویق سازد برنامه اصلاحی مهم خود را در رابطه قانون اساسی برای امپراتوری، به عبدالحمید ارائه داد. در سال ۱۸۷۶ سلطان قانون مدحت‌پاشا را رسماً تصویب کرد.

۲- استبداد سلطان عبدالحمید: دوران حکومت عبدالحمید دوم یکی از بحرانی‌ترین و مهم‌ترین دوران تاریخ امپراتوری عثمانی بود زیرا تحولات سرنوشت‌سازی که زوال امپراتوری را به دنبال داشت. در واقع انتقاد و حملات نمایندگان اولین پارلمان نسبت به حکومت عثمانی و طرح خواسته‌های سیاسی و اعراب و عثمانی‌های جوان و سایر اقلیت‌ها باعث نگرانی عبدالحمید شد و او را به فکر انحلال پارلمان و برقراری حکومت مطلقه انداخت.

۳- پان تورانیسم ترک‌های جوان: مبارزه ترک‌های جوان علیه استبداد سلطان عبدالحمید در واقع ادامه تلاش‌های عثمانی‌های جوان و طرفداران اصلاحات، جهت جلوگیری از سقوط امپراتوری ترک و احیای قدرت و عظمت آن از طریق استقرار سیستم سیاسی و اجتماعی غرب در داخل بود. ترک‌های جوان در واقع گروهی از تاسیونالیست‌های ترک بودند که در ۱۸۸۹ کمیته‌ای بنام «اتحاد و ترقی» در سالونیک بنیان نهادند. آنها می‌ترسیدند که گسترش ناسیونالیسم جوامع غیر مسلمان را در پی رهایی خود تحریک کند. به همین دلیل رهبران رژیم ترک‌های جوان برای حفظ وحدت و یک پارچگی عثمانی سه نوع سیاست را مد نظر داشتند: (۱) پان اسلام‌یسم (۲) حکومت به شیوه رهبران سابق عثمانی (۳) ناسیونالیسم ترکی

- مراحل تکامل ناسیونالیسم عرب با سه عنوان در کتاب ذکر شده است که عبارتند از:

۱- نهضت اصلاح طلبی: از نیمه دوم قرن نوزدهم نهضت بیداری عرب در سوریه و لبنان شکل سیاسی‌تری بخود گرفت. بویژه مسیحیان به تلاش جهت برانگیختن احساس عربیت از طریق آموزش زبان و فرهنگ و ادب عرب دست زدند. فعالیت شخصیت‌های مسیحی و عرب نظیر ناصیف الیازجی، پتطرس بوستانی و ابراهیم الیازجی در راه احیای زبان و فرهنگ عرب در این رابطه بود.

۲- کشور واحد دو ملیتی عرب- ترک: محصول ماه عسل کوتاه تر- عرب تأسیس «جامعه برادری عربی عثمانی» بود که اعضای کمیته اتحاد و ترقی ترک‌های جوان در آن عضویت داشتند. جمعیت برادران حفظ پارلمان را هدف عمده خود می‌دانست.

۳- جدایی خواهی و استقلال طلبی: در آستانه جنگ جهانی اول ویژگی شدید ضد عربی و اسلامی به خود گرفت. وجود جمعیت‌ها و گروه‌های متعدد در پایتخت عثمانی به منظور تبلیغ و رواج اندیشه پانتورانیسم و تأکید بر اصالت‌های ترکی اعراب را به شدت ناراضی کرده بود. بعلاوه پانتورانیسم به داخل ارتش ترکیه نیز نفوذ کرده و میان افسران ترک و

عرب شکاف انداخت. با وقوع تحولات و این حوادث بین المللی ناشی از جنگ، اعراب حساب خود را از عثمانی جدا کردند آنها که از آینده سرزمین‌های عرب پس از سقوط عثمانی نگران شده بودند در پی حفظ استقلال خود و ایجاد یک حکومت متحد عربی می‌گشتند.

- وعده‌های متضاد بریتانیا

الف: مذاکرات با اعراب جدایی طلب: شریف حسین پس از انقلاب ترک‌ها در سال ۱۹۰۸ از سوی رژیم جدید به عنوان شریف مکه انتخاب و راهی حجاز شد. شریف مکه به طور عملی از طرف دولت عثمانی بر تمام شؤانات شبه جزیره عربستان کنترل داشت. بعلاوه از حمایت معنوی خاصی در میان اعراب مسلمان سراسر قلمرو عربی امپراتوری برخوردار بود. این مذاکرات ابتدا از طریق فرزند شریف حسین، عبدالله انجام گرفت ولی در مراحل بعدی فرزندان دیگر او، علی و فیصل نیز شرکت و کمک زیادی به طرح قیام عربی علیه عثمانی کردند.

ب: موافقتنامه سایکس- پیکو در مارس ۱۹۱۶ سایکس و پیکو با «سازونوف» وزیر خارجه روسیه مذاکره کردند و او گفت چنانچه فرانسه و انگلستان دعاوی روسیه نسبت به آناتولی شمال شرقی را بپذیرند روسیه نیز به نوبه خود توافق سایکس - پیکو را می‌پذیرد. این توافق شامل ۱۲ ماده است که بر اساس آن جهان عرب به چند بخش میان فرانسه و انگلستان تقسیم می‌شود. یکی از اهداف این توافقنامه تکه پاره کردن جهان عرب و ایجاد موانع مصنوعی بر سر راه وحدت آن بود.

ج: اعلامیه بافور سومین و در واقع مهم‌ترین وعده انگلستان در جهت حفظ منافع امپریالیستی‌اش در منطقه بود. در اوایل ۱۹۱۴ ناهوم سرلوکو رهبر برجسته صهیونیست اعلام کرد: «اعراب باید یهودیان را به عنوان هم نژادان سامی خود و نه بیگانگان در نظر بگیرند..» همزمان با شروع جنگ جهانی و ورود عثمانی به جنگ به منافع آلمان سیاست انگلستان نسبت به عثمانی تغییر کرد. دولت انگلستان تا این زمان حفظ تمامیت ارضی

امپراطوری عثمانی را سیاست خود کرده بود. در کنگره برلین در سال ۱۸۷۸ نیز این اصل را به سایر قدرت‌های اروپایی قبولاند.

- قیومیت و مسأله فلسطین

الف) ناسیونالیست فلسطین: ۱- تلاش برای بقا ۲- وحدت با سوریه ۳- تلاش برای کسب حمایت ترکیه

۱- در اوایل ۱۹۱۱ یک حزب سیاسی در یافا بنام «الحزب الوطنی العثماني» تحت رهبری «شیخ سلیمان الناجی الفارقی» سخنگوی اصلی مسلمانان علیه صهیونیست‌ها تأسیس شد. اعضا حزب صهیونیسم را خطر اصلی برای کشور (فلسطین) می‌دانستند و خواستار پایان دادن به حیات سیاسی- اقتصادی صهیونیسم در فلسطین شدند.

۲- دو حادثه به حس وحدت خواهی فلسطینی‌ها با سوریه کمک کرد: اول، ورود پیروزمندانه فسصل پسر شریف حسین در راس نیروهای عرب در اکتبر ۱۹۱۸ به فلسطین و تأسیس یک حکومت موقت بواسطه به فرماندهی عالی نیروهای اعزامی از مصر تحت فرماندهی الن بی که ریاست آن را فسصل به عهده داشت، دوم، نفرت فلسطینی‌ها از مراسم اولین سالگرد اعلامیه بالفور در نوامبر ۱۹۱۸.

نگرانی از سلطه صهیونیسم باعث ایجاد اتحاد مسلمانان و مسیحیان و تشکیل انجمن‌های مسلمان- مسیحی شد مانند گروه سیاسی المنتدی الدبی والنادی العربی (باشگاه عربی)

۳- این تلاش بارهبری کمال آتاتورک مطرح شد.

- مراحل جنبش ملی فلسطین:

۱-مقاومت مسالمت امیز ۲ بسوی رادیکالیسم ۳- قیام

نتیجه‌گیری

۱) کشمکش قدرت‌های استعماری و امپریالیستی اروپا در خاورمیانه نتیجه وقوع انقلاب صنعتی و انقلاب بزرگ تجاری قرن شانزدهم بود. نیاز به مواد خام بیشتر و نیروی کار ارزان، قدرت‌های صنعتی و تجاری اروپا را به سوی شرق کشاند.

۲) حمایت کامل دولت بریتانیا از جنبش صهیونیسم و اهداف آن با آغاز جنگ جهانی اول شروع شد. نزدیک شدن صهیونیسم و امپریالیسم بریتانیا در واقع نشانه منافع متقابل آنها برای استعمار فلسطین بود.

۳) با آغاز جنگ جهانی کشمکش قدرت‌های امپریالیستی اروپا بر سر خاورمیانه عربی چهره آشکارتری به خود گرفت و امپریالیسم انگلستان به بازیگر اصلی و قدرت عمده تعیین کننده سرنوشت مناطق قبلی امپراتوری عثمانی تبدیل شد.

۴) اعلامیه بافور در عین حال یک نوع تلاش برای دور نگاه داشتن فرانسه از مناطق استراتژیک کانال و منابع بین‌النهرین و خلیج فارس بود. سیاست‌مداران برجسته بریتانیا به توافق سایکس-پیکو اعتراض داشتند و معتقد بودند که در نتیجه این توافق فرانسه به مرزهای کانال سوئز نزدیک خواهد شد و برای جلوگیری از این خطر باید فلسطین را از منطقه کانال سوئز بیرون کرد.